

۴

تحلیل متن

اختلاف متن نسخه‌های تفسیر ابونصر

در مقایسه دقیق متن نسخه تویقایی سرای با متن نسخه بریتانیا - در پاره کوتاهی که در فصل دوم مقاله نقل کردیم (ترجمه و تفسیر بخشی از آیه ۱۷ تا بخشی از آیه ۲۱ سوره مریم) - چند اختلاف جلب توجه می‌کند، که می‌باید در باب آنها اندیشید و قضاوت کرد:

[۱] نقل کامل آیه پیش از تفسیر آن: در نسخه بریتانیا، پیش از ترجمه و تفسیر هر آیه، نخست متن آیه به طور کامل نقل می‌شود و سپس هر آیه - مطابق بخش‌بندی اصل اثر - به چند بخش تقسیم و در ذیل هر بخش تفسیر می‌شود. اما در نسخه تویقایی سرای، نقل کامل آیات دیده نمی‌شود و از همان آغاز هر آیه - مطابق بخش‌بندی اصل اثر - به چند بخش تقسیم و در ذیل هر بخش تفسیر می‌شود. به نظر می‌رسد که متن اصل تفسیر/ابونصر به همین روش نسخه تویقایی سرای بوده (چنانکه در تفسیر سور/بادی نیز چنین شیوه‌ای دیده می‌شود) و بعدها بعضی از کاتبان - همچون کاتب نسخه بریتانیا - به قصد مشخص ساختن آغاز و انجام هر آیه برای خواننده، ترجیح داده‌اند که نخست هر آیه را به طور کامل بیاورند و سپس تفسیر را بر طبق تقسیم‌بندی مؤلف نقل کنند.^۱

[۲] جابجایی: در نقل ترجمه و تفسیر بخش پایانی آیه ۱۷، متن نسخه بریتانیا دچار جابجایی است. صورت منطقی و درست متن را در نسخه تویقایی سرای

می‌توان دید. البته این احتمال قوی است که نسخه بریتانیا در اصل دچار این اضطرابِ متنی نباشد و این جابجایی به هنگام چاپ متن تفسیری بر عیون رخ داده باشد.

[۳] باشد/ بُود: در ذیل آیه ۱۷، در نسخه بریتانیا «بود» و در نسخه توقیایی سرای «باشد» آمده است. صورت «بود» ظاهراً صورتی کهن‌تر می‌نماید؛ اما با توجه به آنکه در نسخ اصیل برخی آثار قرن پنجم، مانند آثار منشور ناصر خسرو (م ۴۸۱ ق)، نیز صورت «باشد» به جای «بُود» آمده، نمی‌توان بدین دلیل به اصالت ضبط نسخه بریتانیا حکم کرد؛ به ویژه آنکه در ذیل آیه ۱۹ نیز ضبط هر دو نسخه چنین است که: «چون "لیهب" خوانی معنی چنان باشد تا ...»، و در ذیل آیه ۲۰ در هر دو نسخه آمده است: «مرا پسر از کجا باشد».

[۴] جلّ و عزّ / جلّ جلاله: در نسخه بریتانیا دو جا بعد از واژه «خدای» عبارت «جلّ و عزّ» آمده است (ذیل آیات ۱۸ و ۲۱). در نسخه توقیایی سرای در یک جا عبارت «جلّ و عزّ» نیامده، و در جای دیگر به جای آن عبارت «جلّ جلاله» آمده است. به نظر می‌رسد که در هر دو مورد اصالت با نسخه بریتانیا باشد.

[۵] پیغامبر / پیامبر: در ذیل آیه ۱۹، در نسخه توقیایی سرای ضبط «پیغامبر» و در نسخه بریتانیا ضبط «پیامبر» آمده است. با توجه به نسخه‌های اصیل متون قرن پنجم، البته ضبط نسخه توقیایی سرای را باید اصیل‌تر شمرد.

[۶] بحرام / حرام: در ذیل آیه ۲۰، در نسخه توقیایی سرای ضبط «به حلال و به حرام» و در نسخه بریتانیا ضبط «به حلال و حرام» آمده است. توجه به خصیصه تکرار افعال و حروف اضافه در متون فارسی قرون چهارم و پنجم، اصالت ضبط نسخه توقیایی سرای را تأیید می‌کند.

[۷] من گفتم ترا: در ذیل آیه ۲۱، در نسخه توقیایی سرای، بر خلاف نسخه بریتانیا، افزوده «ترا» نیست. ترجمه متن در برابر عبارت قرآنی «قال کذلک» تفسیری است: «گفت: همچنانست کی تو می‌گویی (گویی) و همچنانست کی من گفتم (/گفتم ترا)». برابر قرآنی «تورا» البته در متن آیه نیست. از آنجا که به دنبال «می‌گویی / گویی»، «مرا» نیامده، می‌توان حدس زد که «ترا» در دنباله «گفتم» - در نسخه بریتانیا - از الحاقات بعدی است و اصیل نیست.

[۸] رحمان / رحمن: در ترجمه و تفسیر آیه ۱۸، دو بار واژه «رحمان» در برابر لغت قرآنی «رحمن» آمده است. در نسخه تویقایی سرای در هر دو جا رسم الخط فارسی «رحمان» در برابر رسم الخط قرآنی «رحمن» آمده، اما در نسخه بریتانیا در بار اول «رحمن» و در بار دوم «رحمان» آمده است. هرچند ناهماهنگی‌هایی از این دست می‌تواند ریخته‌خامه مؤلف باشد و در نسخه تویقایی سرای نیز برخی ناهمگونی‌های رسم الخطی دیده می‌شود (مانند: جدانویسی و پیوسته‌نویسی «همچنان» در ذیل آیه ۲۱: «هم‌جنانست ... و هم‌جنانست»)، با این همه، در این موارد ضبط نسخه‌ای که هماهنگی بیشتری میان مواضع مختلف آن دیده می‌شود - مخصوصاً اگر قرائتی دیگر اصالت آن ضبط را تأیید کند - ارجح است.

ویژگی‌های متن: واژه‌ها و ساختار جمله‌ها

متن تفسیر/بونصر نسبتاً عربی‌گراست و واژه‌های عربی یا عربی - فارسی غلیظی در آن جلب نظر می‌کند، واژگانی همچون: تمام‌خلقت، نقصان، رحمان و مخلص. در اینجا این نکته نیز شایان توجه است که مؤلف تفسیر/بونصر هیچ واژه فارسی را برابر مناسبی برای کلمه قرآنی «رحمن» نیافته (در ذیل آیه ۱۸)، و در برابر «رحمن» تنها همان واژه را - البته با رسم الخط فارسی (رحمان) - قرار داده است. ترجمه بونصر از آیات قرآن، بر خلاف دیگر ترجمه‌های کهن قرآن به فارسی^۲، تحت تأثیر نحو جملات متن مبدا (آیات قرآن) نیست. می‌توان با گفته آذرنوش (۱۳۷۵: ۱۲۱) موافق بود که «ساختارهای نحوی در این کتاب نسبت به آثار مشابه ... یکنواخت‌تر» و فارسی‌تر است و ترجمه آیات قرآن «در این کتاب از ترجمه‌های پیشین غالباً روان‌تر و عبارات فارسی‌بی که ساختمان نحو عربی دارند در آن اندک - تر است» و حتی گاه مترجم «از چارچوب لغوی - نحوی آیه تا حدی بیرون آمده» (همان: ۱۲۳) و «به ترجمه آزاد دست زده است» (همان: ۱۲۴).

همان‌گونه که در تصویر نسخه تویقایی سرای می‌توان دید (پیوست، تصویر ۱)، معمولاً ترجمه و تفسیر هر بند از آیات قرآن در ذیل آیات و عبارات قرآنی درج شده است. این شیوه کتابت، در دیگر متون مترجم کتب مقدس که به صورت دوزبانه‌اند نیز

سابقه دارد؛ مانند نسخه‌های ترجمه‌های کهن قرآنی (نک: عمادی حائری ۱۳۸۶: ۳۸) و ترجمه‌های پهلوی/اوستا (تفضلی ۱۳۷۶: ۷۱). با این همه، مواردی هم در نسخه توپقاپی سرای هست که ترجمه عبارت قرآنی در ذیل متن عربی آن نیامده است. اگر این امر برای حفظ شکل صفحه‌آرایی نباشد، می‌توان گفت که ترجمه تفسیروار این متن و ساختار فارسی ترجمه‌های آن - که برخلاف دیگر ترجمه‌ها نحو آن تحت تأثیر نحو متن عربی قرآن نیست - در این باره اثرگذار بوده است.

استقلال مؤلف تفسیر ابونصر در ترجمه آیات قرآن

تفسیر ابونصر به گواهی تاریخ کتابت نسخه توپقاپی سرای (۴۸۴ ق)، پس از تفسیر معروف به ترجمه تفسیر طبری (نیمه قرن چهارم)، در زمره کهن‌ترین تفاسیر فارسی محسوب می‌شود و در ردیف آثاری همچون تاج التراجم ابوالمظفر شهفور اسفراینی (م ۴۷۱) و تفسیر التفاسیر (مشهور به تفسیر سورآبادی)^۳ ابوبکر عتیق نیشابوری (م ۴۹۴) جای می‌گیرد، اگر از آن دو قدیمتر نباشد. تفاسیر کهن فارسی را بر اساس ترجمه‌های آنان از آیات قرآنی، به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:

[۱] تفاسیری که بخشی از آیه را نقل و ترجمه می‌کنند و به دنبال ترجمه هر بخش، تفسیر کوتاهی از آن می‌آورند و سپس به ذکر اقوال مفسران و مباحثی از این دست می‌پردازند؛ مانند: تفسیر سورآبادی، بخشی از تفسیری کهن و تفسیری بر عرش. [۲] تفاسیری که نخست چند آیه پیاپی را نقل و به فارسی ترجمه می‌کنند (در بسیاری موارد در بین سطور قرآن) و سپس به تفسیر آنها می‌پردازند؛ مانند: ترجمه تفسیر طبری (نخستین ترجمه و تفسیر قرآن به فارسی)، تاج التراجم شهفور اسفراینی و روض الجنان ابوالفتوح رازی (درباره این تقسیم‌بندی، نیز نک: عمادی حائری ۱۳۸۶: ۳۶، پانوش ۱).

نسخه‌های مترجم قرآن - یعنی ترجمه‌های بدون تفسیر - تا قرن ششم، برخی رونویسی از تحریرهای گوناگون (در سه تحریر اصلی به ترتیب تاریخی) نخستین

ترجمه فارسی قرآن‌اند (که در دل ترجمه تفسیر طبری جای گرفته) و برخی دیگر سخت تحت تأثیر آن‌اند.^۴ در حقیقت، نخستین ترجمه‌های قرآن به فارسی که یکسره مستقل از نخستین ترجمه کامل قرآن‌اند، دو ترجمه موزون قرآنی‌اند (تفسیر نسفی و ترجمه‌ای آهنگین) که در قرن ششم فراهم آمده‌اند،^۵ و یکی از آن دو (ترجمه‌ای آهنگین) اساساً برگردانی آزاد از قرآن به شمار می‌رود.

اما در تفاسیر فارسی، تأثیرپذیری از نخستین ترجمه فارسی قرآن به اندازه ترجمه‌های بین سطور مصاحف قرآنی نیست. در این تأثیرپذیری نیز، میان دو دسته تفاسیری که از آنها یاد کردیم تفاوت است: در حالی که ترجمه‌های قرآنی تفاسیری همچون تفسیر سورابادی، بخشی از تفسیری کهن و تفسیری بر عرش کاملاً مستقل از نخستین ترجمه قرآن (در ضمن ترجمه تفسیر طبری) به نظر می‌رسند؛ تفاسیری مانند کشف الاسرار میبیدی و روض الجنان ابوالفتوح رازی در ترجمه‌های قرآنی خود بی‌تردید متأثر از نخستین ترجمه قرآن هستند. در میان تفاسیر دسته دوم، هرچند مفسر صاحب‌نظری چون شهفور اسفراینی مطابق پیش‌فرض‌های خود دست به ترجمه آیات زده است، با این همه می‌توان نشان داد که شهفور اسفراینی نیز - که در روزگار خود مدعی بایدها و نبایدهای نوینی در ترجمه قرآن است^۶ و بر خلاف بیشتر مفسران و مترجمان پایبند نخستین ترجمه فارسی قرآن نیست - آن ترجمه کهن معیار را پیش چشم داشته و جا به جا از آن بهره برده است. اما مؤلف تفسیر ابونصر در استقلال ترجمه قرآنی خود از نخستین ترجمه قرآن، از مفسرانی همچون شهفور اسفراینی و عتیق نیشابوری نیز به مراتب جلوتر است و ترجمه‌های قرآنی وی گویای استقلال او از ترجمه رایج و رسمی قرون چهارم و پنجم (نخستین ترجمه قرآن) است.

مقایسه‌ای میان ترجمه‌های قرآنی چند تفسیر کهن فارسی با نخستین ترجمه فارسی قرآن، این نکته را به خوبی نشان خواهد داد. بدین منظور، ترجمه بخشی از آیه ۱۷ تا بخشی از آیه ۲۱ سوره مریم از تفسیر ابونصر را (با نشان اختصاری نص) با ترجمه همین آیات در ترجمه تفسیر طبری (با نشان اختصاری طب)، تاج التراجم

اسفراینی (با نشان اختصاری تا)، تفسیر سورابادی (با نشان اختصاری سو) و تفسیر کمبریج (با نشان اختصاری کم) می‌سنجیم:^۷

فتمثل لها بشراً سوياً (۱۷)

نص: جبریل علیه السلام خویشتن بدو نمود بمانند آدمی - سوياً: جوانی تمام- خلقت کی از جوانیش هیچ نقصان نشده باشد (/ بود) - . چون مریم او را بدید پنداشت که آدمیست.

طب: مانده شد چیزی [مر] مریم [را] آدمی راست‌اندام (/ پیش باستاد] اصل: باستادم] او را چون مردی راست‌اندام).

تا: بایستاد پیش وی بر صورت آدمی راست‌خلقت.

سو: مانسته شد او را به آدمی راست‌اندام بر هیئت ورنای نکوروی نکوموی نکوقد، در پیش مریم بیستاد در آن وقت که جامه درپوشید. مریم او را بدید بترسید.

کم: مانده کرد خود را از بهر مریم // آدمی - سوياً: تمام‌اندام - که خود را بمریم نمود در صورت آدمی. ...

قالت إني أعوذ بالرحمن منك إن كنت تقياً (۱۸)

نص: گفت: من از رحمان فریادخواهم از تو، اگر تو مخلصی مر رحمان را از بر من دور شو. ضحاک گفت: اگر تو از خدای (/ + جل و عز) می‌ترسی از بر من دور شو؛ کلبی گفت: اگر تو مطیع خدایی از بر من دور شو.

طب: گفت مریم کمن واداشت خواهم بخدای از تو اگر هستی تو پرهیزکار.

تا: گفت مریم جبرئیل را: من پناه گیرم به خدای از تو اگر تو پرهیزکاری (/ پرهیزکار باشی). ...

سو: گفت: من بازداشت خواهم و پنه گیرم به خدا از تو اگر تو پرهیزگاری. ...

کم: گفت مریم: من زینهار می‌خواهم از رحمن تا مرا نگاه دارد از تو ای مرد // اگر هستی تو مؤمنی پرهیزگار، باز باشی از من چون من در زینهار خدای شدم. ...

قال إنما أنا رسول ربك

نص: جبریل گفت علیه السلام: من رسول خداوند تو

طب: گفت: هستم من فرستاده خدای تو

تا: جبرئیل گفت وی را: خود من رسول خدای توام
 سو: جبرئیل گفت: من رسول خدای ام به تو. مریم گفت: تا چه بود؟ گفت:
 کم: گفت جبرئیل // هستم من فرستاده خدای تو، مرا خدای فرستاده است ...

لأهب لك غلاماً زكياً (۱۹)

نص: تا مر تو را پسری بخشم ... پاکیزه و نیک‌مرد و پیغامبر (/ پیامبر).
 طب: تا بدهم ترا پسری (/ کودکی) پاکیزه.
 تا: تا بشارت دهم ترا به عطا دادن خدای تعالی فرزندی شایسته پاک از شرک. ...
 سو: تا ببخشد ترا پسری پارسا و پاکیزه. ...
 کم: تا ببخشم مر ترا، ای که تا خدای ببخشد مر ترا // پسری پاکیزه پارسا. ...

قالت أنى يكون لى غلامٌ ولم يمسنى بشرٌ

نص: گفت مریم مر جبرئیل را علیه السلام: مرا پسر از کجا باشد؟ هیچ آدمی با من
 نبسودست بحلال و بحرام (/ حرام)،
 طب: گفت مریم از کجا بود مرا پسری و نرسیده است بمن آدمی،
 تا: گفت مریم کی باشد مرا فرزند و به من نرسیده است هیچ آدمی،
 سو: مریم گفت چگونه بود و از کجا مرا پسر بود و هرگز هیچ آدمی به من
 نارسیده نه به حلال و نه به حرام،
 کم: گفت مریم // از کجا باشد مرا پسری // و نرسیده است مرا آدمی، ای که بمن
 نرسیده است آدمی چنانکه مردان بزنان رسند،
 ولم أك بغياً (۲۰)

نص: و من بلایه‌کار نبوده‌ام و نیستم.

طب: و نبودم وی سامان‌کاری (/ پلیدکاری).

تا: و نبودم جوینده فساد هرگز.

سو: و نبوده‌ام من پلیدکاری.

کم: و نبوده []^۱ که از زنا بازدارم. ...

قال كذلك قال ربك هو على هين

نص: جبرئیل علیه السلام جوابش داد، گفت: همچنانست کی تو می‌گویی (/ گویی).
 و همچنانست کی من گفتم (/ + ترا)؛ خدای تو گفت - جل جلاله (جل و عز) -
 فرزند بی‌پدر آفریدن بر من آسانست.

طب: گفت: همچنین گفت خدای تو، آن بر من آسان است.
تا: گفت جبرئیل: چنان است که تو می‌گویی ای مریم، می‌گوید خدای تو آن بر من آسان است یعنی فرزند بی پدر.
سو: جبرئیل گفت: چنین گفت خدای تو که آن بر من آسان است.
کم: گفت جبریل همچنانکه ترا گفتم // گفت خدای تو // آن بخشیدن فرزند بی پدر آسان است بر من.

(تفسیری بر عشر: ۳۶-۳۷؛ ترجمه تفسیر طبری: ۴/ ۹۵۸-۹۵۹؛ اسفراینی، تاج التراجم: ۳/ ۱۳۵۱-۱۳۵۰؛ نیشابوری، تفسیر سورابادی: ۲/ ۱۴۶۸-۱۴۷۰؛ تفسیر کمبریج: ۱/ ۱۰-۱۲)

آری، چنانکه می‌بینیم، ترجمه مؤلف تفسیر ابونصر مستقل از نخستین ترجمه قرآن به فارسی (که ما با نشان طب آن را نقل کرده‌ایم) است؛ از این رو می‌توان گفت که وی فردی صاحب نظر و رأی در ترجمه آیات بوده که با وجود قرابت زمانی با نخستین ترجمه قرآن به فارسی - که در آن روزگاران تقریباً ترجمه‌ای معیار به شمار می‌آمده - از آن تأثیر نپذیرفته است. صاحب نظر بودن مؤلف این تفسیر را از برخی اظهارنظرهای تفسیری او نیز می‌توان دریافت، مانند آنجایی که پس از نقل قول «گروهی از مفسران» می‌گوید که این نظر «به نزد ما درست نیاید» (تفسیری بر عشر: ۴۷).

اعراب‌گذاری واژگان فارسی و کشف طرز تلفظ مؤلف

حقیقت این است که ما از تلفظ تاریخی بسیاری از واژه‌های فارسی متون کهن بی‌خبریم و تلفظ بسیاری از کلمات نزد مصنف و سراینده‌اش آن‌گونه نیست که ما امروزه آن متون قدیم را می‌خوانیم و می‌شنویم، و از آن مهمتر تلفظ خود را مسلم می‌انگاریم و در لغت‌نامه‌ها و فرهنگ‌نامه‌ها به عنوان یگانه تلفظ صحیح ثبت می‌کنیم. مشکل اینجاست که کشف تلفظ صاحبان یا کاتبان متون کهن تنها به یاری شواهد و قرائن ظریف میسر می‌شود؛ مگر در متونی که واژگان آنها از سوی کاتب یا حتی مؤلف اعراب‌گذاری شده باشد و نسخه‌های اعراب‌گذاری شده آنها به دست ما رسیده باشد. نسخه تویقایی سرای این مزیت مهم را داراست که همگی واژگان فارسی آن به دقت - و همانند متن قرآن - اعراب‌گذاری شده و از این طریق تلفظ

دقیق و تاریخی واژگان متن را در اختیار ما گذاشته است.^۹ کشف تلفظ‌هایی که امروزه برای ما نامأنوس و نامتعارفند - و چه بسا از سوی فضلالی تجویزگرا نادرست تلقی شوند - همگی از طریق همین اعراب‌گذاری‌ها میسر می‌شود. در این تلفظ‌ها - که همه برگرفته از تصویر ۱ (به پیوست همین مقاله) است - دقت کنید: «جَبْرَائِل»، «مانند»، «جوانی»، «خواهم»، «شو»، «توم»، «بلایه‌کار»، «نبوده»، «هم‌چنانست».

دقت و حساسیتی که کاتب یا مؤلف در اعراب‌گذاری واژگان فارسی به کار برده، به اندازه‌ای است که بیننده گمان می‌برد که او متن فارسی را همچون آیات قرآن پاس می‌داشته و از غلط خواندن آن در بیم بوده است! اگر متن فارسی نسخه دیگری تفسیر/بونصر (نسخه بریتانیا) اعراب‌گذاری نشده بود، این احتمال پذیرفتنی می‌نمود که شاید عثمان وراق به قصد هماهنگی زیبایی‌شناسیک متن فارسی با متن قرآنی به اعراب‌گذاری واژگان فارسی پرداخته است؛ اما باید گفت که در نسخه بریتانیا نیز کلمات فارسی اعراب‌گذاری شده و اعراب‌گذاری نیز آن با نسخه توقیابی سرای همانند و هماهنگ است.^{۱۰} اعراب‌گذاری‌های همسان نسخه‌های توقیابی سرای بریتانیا نشانه این است که این اعراب‌گذاری‌ها از مؤلف تفسیر است و یا اینکه این دو نسخه ریشه در نسخه‌ای واحد دارند (شاید نسخه اصل مؤلف) که کلمات فارسی آن اعراب‌گذاری شده بود.

متأسفانه متینی اعراب‌گذاری‌های نسخه بریتانیا را در متن ویراسته خود (تفسیری بر عشر) نشان نداده است؛ هرچند به توصیه خانلری (نک: متینی ۱۳۵۲: چهارده) تصویر کامل سوره طه را از نسخه بریتانیا (در ۷۶ صفحه) در پایان مقدمه خود آورده و نمونه‌هایی از تلفظ واژگان در نسخه بریتانیا را بر اساس اعراب‌گذاری‌های واژگان فارسی ذکر کرده است (نک: همان: چهارده - پانزده). متینی به عنوان نکته‌ای «قابل توجه» یادآور می‌شود که در نسخه بریتانیا «گاهی کلمه‌ای واحد، حتی در یک صفحه، به دو شکل مختلف اعراب‌گذاری شده است» و «معلوم نیست این نوع کلمات، با دو تلفظ مختلف در لهجه مؤلف تفسیر یا کاتب نسخه رایج بوده است و یا آنکه فقط یک صورت آن صحیح است و ضبط دیگر مربوط به خطای کاتب نسخه

است» (همان: چهارده). برخی از مثال‌هایی که متنی در این باب بدانها اشاره کرده، عبارتند از: خُواستی / خُواستم، کُفت / کُفت، چُون / چُون، بُود / بُود (همان: چهارده - پانزده). جالب اینجاست که هرچند در نسخه تفسیر قرآن پاک - که گفتیم احتمالاً بخشی از مجلد اول تفسیر ابونصر است - اعراب‌گذاری چندانی در واژگان فارسی به چشم نمی‌خورد، با این همه نمونه‌های قابل توجهی در این نسخه هست که با اعراب‌گذاری نسخه‌های توپقایی سرای و بریتانیا مشابه است؛ همچون گذاشتن فتحه قبل از مصوت بلند ا: نَدَارَد (تفسیر قرآن پاک، چاپ عکسی: ۵۱ / س ۶؛ قس: «جوانی» و «باشد» در تصویر ۱)، کسره پیش از ی منقوص: باری (همانجا: س ۷؛ قس: «می‌کویی» و «بی‌بدر» در تصویر ۱) و ساکن بر روی مصوت بلند و: مَدْکُور (همانجا: س ۸)، نَاسِخٌ وَ مَنسُوخٌ (همانجا: س ۹؛ قس: «شو» در تصویر ۱).

باری، اعراب‌گذاری‌های نسخه‌های تفسیر ابونصر، به ویژه نسخه توپقایی سرای، گنجینه‌ای است سر به مهر برای زبان‌شناسی تاریخی متون فارسی و منبعی است دست‌ناخورده در جستجوی پیشینه لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. شاید این تصور پیش آید که نقل کامل هر آیه پیش از تفسیر آن، به دست مصحح تفسیری بر عهده صورت گرفته؛ اما تصاویری که متنی از اصل نسخه پس از مقدمه خود بر تفسیری بر عهده چاپ رسانده، نشان می‌دهد که نقل کامل آیات در اصل نسخه بریتانیا هست.
۲. گفتنی است که ترجمه تحت‌اللفظ متون مقدس قبلاً در سنت ایرانی سابقه داشته است؛ چنانکه ترجمه‌های پهلوی اوستا نیز به شدت پایبند نحو جملات اوستا (به زبان اوستایی) بود (نک: تفضلی ۱۳۷۶: ۱۲۶-۱۲۷).
۳. نام اصلی تفسیر سورابادی، چنانکه مؤلف خود در مقدمه (نیشابوری، تفسیر سورابادی: ۸ / ۱) تصریح می‌کند، تفسیر التفاسیر است.
۴. درباره جایگاه خاص نخستین ترجمه کامل قرآن به فارسی و تأثیر آن بر ترجمه‌های بعدی دو قرن بعد، نک: عمادی حائری ۱۳۸۶: ۲۰-۲۲، ۲۶-۲۷، ۲۹-۳۰.
۵. درباره این دو ترجمه موزون و زمینه تاریخی آنها، نک: همان: ۳۰-۳۲.
۶. اسفراینی در نقد ترجمه‌های قرآنی پیش از خود و روش خویش در ترجمه قرآن می‌نویسد: «و حاجت همی افتاد گروهانی را که غالب بر ایشان پارسی بود بدانکه ترجمه باشد الفاظ قرآن را ... و از بهر آن چند کس تعرض کردند اندر عصرهای مختلف که ترجمه کنند کتاب خدای را - جل جلاله - به پارسی. و

چون بزرگان علما آن را مطالعه کردند اندران خللهای بسیار یافتندی: برخی از جهت عبارتی که اندران موافقت لغت نگاه داشته بودند و الفاظ مفسران را تتبع نکرده بودند، و برخی از قیل آنکه هر لفظی را خواستندی که به یک لفظ پارسی ترجمه کنند تا معنی آن ناقص گردیدی و فایده‌ای از آن پیدا نگشتی و ندانستندی که الفاظ قرآن شریفتر و جامعتر از آنست که معنی یکی از آن به یک لفظ پارسی بتوان نمود. پس چون اندران ترجمه‌ها که کرده بودند این خللهها دیدیم ... بدان مقدار که توفیق یافتیم اجتهاد کردیم اندر راست کردن الفاظی به پارسی که ترجمه آن را بشاید لغت عرب را، موافق اقوال مفسران و موافق اصول دیانت را و مصون از تأویلی که متضمن بود چیزی را از تعطیل و تشبیه و یا نصرت چیزی را از مذاهب اهل الحاد و بدعت، راست و مستقیم بر طریق اهل سنت و جماعت. و از بهر این صفات بود که نام این را *تاج التراجم* ... لقب نهادیم.» (اسفراینی، *تاج التراجم*: ۵/۱ - ۶، و پانوشتهای همانجا).

۷. می‌دانیم که در ترجمه تفسیر طبری و *تاج التراجم*، آیات به شکل کامل نقل شده و در بین سطور یا پس از نقل کامل آیه، ترجمه آنها آمده است. تقسیم‌بندی آیات در بالا، مطابق با تفسیر *سورابادی* است. تقسیم‌بندی تفسیر *بونصر* و تفسیر *کمبریج* در نقل آیات، تفاوت‌هایی با تقسیم‌بندی تفسیر *سورابادی* دارد (بخش‌بندی آیات در تفسیر *کمبریج* را با علامت // نشان داده‌ایم) و اندکی از آن جزئی تر است. شایان یادآوری است که ما بخش‌های تفسیری این متون را نقل نکرده‌ایم و به جای آن سه نقطه نهاده‌ایم. منقولات درون کمانک‌ها نسخه‌بدل‌های هر متن است، و افزوده‌های درون گروه از ماست.

۸. در اصل نسخه ناخواناست.

۹. برای نمونه‌هایی دیگر از اعراب‌گذاری گسترده واژگان فارسی در نسخ خطی، باید به دستنوشته کامل - اما متأخر - از تفسیر *سورابادی* اشاره کرد که بنیاد فرهنگ ایران بخشی از آن را (به عنوان جلد اول) در سال ۱۳۵۳ ش به صورت چاپ عکسی (سیاه و سفید) منتشر کرد؛ و همچنین نسخه‌ای از *منطق الطیر* عطار (کتابت‌شده در ۸۵۷) که مرکز نشر دانشگاهی چاپ عکسی (رنگی) آن را به سال ۱۳۷۳ ش در تهران انتشار داد. خانلری در مقدمه کوتاه خود بر چاپ عکسی تفسیر *سورابادی* به درستی اشاره می‌کند که «این نسخه از مزیتی خاص برخوردار است و آن حرکاتی است که کاتب روی کلیه حروف در نهایت دقت گذاشته است و به مدد آن شاید بتوان تلفظ دقیق بسیاری از کلمات فارسی را در دوران معینی، لااقل در قسمتی از قلمرو وسیع زبان فارسی، مشخص کرد» (خانلری ۱۳۵۳: [دو]). گفتنی است که شیوه اعراب‌گذاری این نسخه شباهت‌هایی با نسخه‌های تفسیر *بونصر* (توقایی سرای، بریتانیا) دارد.

۱۰. برای نمونه‌هایی از اعراب‌گذاری واژه‌های فارسی در نسخه بریتانیا، نک: متینی ۱۳۵۲: ص چهارده - پانزده؛ نیز: پیوست، تصویر ۲-۶.